رهبر انقلاب:

روحیه بسیجی بر آمریکا و رژیم صهیونیستی غلبه می‌کند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور فرمودند: روحیه بسیجی بر آمریکا و رژیم صهیونیستی غلبه می‌کند. به گزارش «عصر ایرانیان»، رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف بسیجی، این پدیده بی‌نظیر را برخاسته از فرهنگ، هویت ملی و تاریخ ایران خواندند و با اشاره به ضرورت تقویت و کیفی‌سازی فعالیت‌های بسیج، گفتند: مکتب و تفکر و اندیشه بسیجی بر دو پایه «خداباوری» و «خودباوری» استوار است و این دو خصوصیت ممتاز، عامل غلبه قطعی بر سیاست‌ها و نقشه‌های استکبار جهانی خواهد بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین فردای جبهه مقاومت را چندین برابر قوی‌تر و گسترده‌تر از امروز دانستند و با اشاره به اینکه رژیم صهیونیستی با وجود استمرار جنایات جنگی در غزه و لبنان، پیروز میدان نخواهد شد، تأکید کردند: حکم بازداشت نتانیاهو کافی نیست و باید حکم اعدام او و این سران جنایتکار صادر شود. ایشان بسیج را ذاتاً یک شبکه‌سازی فرهنگی، اجتماعی و نظامی برشمردند و با اشاره به ماندگاری آن به علت اصالت و ریشه داشتن در هویت تاریخی و ایرانی، گفتند: امام حدود ۳ هفته بعد از تسخیر لانه جاسوسی و چنگ و دندان نشان‌دادن آمریکا، با تشکیل بسیج در ۵ آذر ۱۳۵۸، آن تهدید بزرگ را به فرصتی بزرگ تبدیل کرد و این شجره طیبه را در زمین اجتماعی، فرهنگی و نظامی کشور نشاند. رهبر انقلاب، بُعد نظامی را تنها یکی از ابعاد بسیج خواندند و افزودند: بسیج در درجه اول یک مکتب و اندیشه و تفکر است که با تکیه بر دو منطق و پایه اساسی ی‌عنی «ایمان و خداباوری» و «اعتماد به‌نفس و خودباوری» به نقش‌آفرینی برجسته و ثمردهی در عرصه‌های مختلف پرداخته و خواهد پرداخت. ایشان خصوصیات بسیج از جمله شهامت، ابتکار، سرعت عمل، دید وسیع، دشمن‌شناسی و حساسیت در مقابل تحرکات گوناگون را ناشی از دو پایه مستحکم آن دانستند و افزودند: معنا و نتیجه خداباوری، تسلیم در مقابل پروردگار و «توکل و تکیه و امید» به او و یقین به وعده‌های صادق الهی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، خداباوری در فرد بسیجی و سازمان بسیج را باعث ایمان به این حقیقت دانستند که همه اجزای بی‌نهایت عالم وجود، لشکر خداست و اگر بنده خدا باشیم این لشکر به صلاحدید پروردگار و براساس سنت‌های الهی به کمک ما می‌آیند؛ همچنانکه در دوره‌های مختلف و در عرصه‌های گوناگون شاهد آن بوده‌ایم. رهبر انقلاب در تبیین آثار و نتایج خودباوری و اعتماد به‌نفس نیز به کشف توانایی‌ها وظرفیت‌های وجودی انسان مانند نظیر قدرت تصمیم‌گیری و اراده و عمل، قدرشناسی از این ظرفیت‌ها و بکارگیری آنها اشاره کردند و گفتند: کشف این توانایی‌ها و بکارگیری آنها، درست نقطه مقابل نقشه‌های استکبار است. رهبر انقلاب انکار توانایی‌های ملت‌ها و تحقیر آنها را از سیاست‌های همیشگی سلطه‌گران برشمردند و افزودند: براساس آیات قرآن، فرعون، ملت خود را تحقیر و خفیف می‌کرد تا به اطاعت از او بپردازند. البته فرعون نجیب‌تر از سلاطین امروز آمریکا و اروپا بود؛ چرا که اینها ملت‌های دیگر را هم تحقیر می‌کنند تا منافع و منابع آنها را چپاول کنند. ایشان عوامل داخلی استکبار را مکمل فشارهای بیرونی و روحی و روانی سلطه‌گران خواندند و افزودند: این عوامل همچنانکه در ماجرای ملی‌شدن صنعت نفت رخ داد، هم‌زبان با اربابان خود، تاریخ و هویت و توانایی ملت را انکار می‌کنند تا راه سلطه‌گران هموار شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بسیج را نقطه مقابل این تحقیر ملی خواندند و با اشاره به تحقیر ایران به خصوص در دوره قاجار و پهلوی افزودند: بعد از جنگ جهانی اول، هیأت اعزامی ایران را به کنفرانس پاریس حتی راه ندادند؛ البته انقلاب ورق را برگرداند و عزت ملی را احیا کرد. ایشان تفکر بسیج را حصارشکن دانستند و گفتند: خودباوری ناشی از روحیه بسیجی، سلاح نرم‌افزاری بسیار خطرناک نظام سلطه را برای تحقیر، انفعال و ناامیدی ملت خنثی می‌کند و این روحیه و توانایی‌های ناشی از آن، بدون تردید در کشور و اعضای جبهه مقاومت بر همه سیاست‌های آمریکا و غرب و رژیم صهیونیستی غلبه خواهد کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به زمینه‌سازی امام بزرگوار برای ایجاد تفکر بسیج از سال ۱۳۴۱ و ایجاد خودباوری، خداباوری و امید به پیروزی در مردم، گفتند: پس از پیروزی انقلاب نیز امام از بسیج، سدّی در برابر ضربه‌های گوناگون ساخت و بسیج در همه میادین نظامی، اجتماعی، علمی، سازندگی، ایمن‌سازی کشور و صحنه‌های سیاسی و بین‌المللی نقش‌آفرینی کرد. ایشان قدرت اجتماعی و علمی را باعث ایجاد قدرت سیاسی برای کشور خواندند و افزودند: اگر ملتی با اتحاد، عزم، ایستادگی و به میدان آوردن نیروهای فعال، توانایی‌های علمی و اجتماعی از خود بروز دهد، قدرت سیاسی نیز کسب می‌کند و می‌تواند در صحنه بین‌الملل هم حرف خود را محکم پیش ببرد. رهبر انقلاب از خنثی‌سازی توطئه خباثت‌آلود آمریکا در اواخر دهه ۸۰ در قضیه تأمین اورانیوم ۲۰ به‌عنوان نمونه‌ای از نقش‌آفرینی روحیه بسیجی یاد و خاطرنشان کردند: در شرایطی که کشور برای تولید دارو به اورانیوم ۲۰ درصد نیاز مبرم داشت، آمریکایی‌ها با وجود توافقی که برای فروش آن با وساطت دو رئیس‌جمهور معروف آن روز دنیا انجام شده بود، در میانه مذاکرات شروع به حیله‌گری کردند اما دانشمندان بسیجی ما از جمله شهید شهریاری، اورانیوم ۲۰ درصد را در کمال ناباوری آمریکایی‌ها تولید کردند و آن توطئه که برای تسلیم ایران طرح‌ریزی شده بود، خنثی شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بسیاری از افتخارآفرینی‌ها و بن‌بست شکنی‌های متکی به روحیه و فرهنگ بسیجی را خارج از سازمان بسیج دانستند و گفتند: حفظ این مکتب و فرهنگ بسیجی بسیار مهم است و بسیجیان در هر کاری که فعال هستند، باید این روحیه، آمادگی برای کار و حساسیت در برابر مسائل را حفظ کنند و از دست ندهند. ایشان از جمله مشکلات جوانان کشورهای مختلف دنیا را احساس بیهودگی و ناتوانی در برابر موانع، بن‌بست‌های ذهنی و در نتیجه اقدام به خودکشی دانستند و گفتند: تفکر بسیجی با شناخت از خود و با اعتماد به توانایی‌هایش، بن‌بست شکن است و با اراده و همتی که دارد مرعوب های و هوی سلطه‌گران نمی‌شود و در مقابل جنجال‌های تبلیغاتی مستکبران همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره مسائل مختلف، لبخند تمسخر می‌زند. رهبر انقلاب برخورداری از آرمان و هدف را امتیاز دیگر تفکر بسیجی دانستند و افزودند: بسیجی، با ایمان به هدف خود یعنی ایجاد جامعه اسلامی و تمدن اسلامی و استقرار عدالت، بدون ترس از مرگ و با آرزوی شهادت پیش می‌رود؛ همچنانکه نمونه‌های درخشانی از شوق جوانان به جهاد و شهادت در دفاع مقدس و دفاع از حرم دیده شد. ایشان تأکید کردند: به علت همین ویژگی‌هاست که بسیجی ایرانی یقین دارد سرانجام یک روز رژیم صهیونیستی را از بین خواهد برد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ضرورت تقویت روزافزون بسیج و کیفی‌سازی و عمق‌یابی فعالیت‌ها گفتند: پرچم بسیج که پرچم دفاع از حقیقت و حقوق ملت است، همواره باید در اهتزاز بماند که لازمه آن عمق‌بخشی به معارف بسیجی، افزایش کیفیت و پرهیز از نگاه سطحی به مسائل با مطالعه و مباحثه و تشکیل حلقه‌های درسی و تحقیقی است. ایشان با اشاره به آمادگی همیشگی بسیج برای نقش‌آفرینی به‌عنوان بازوی فعال دستگاه‌های اجرایی، یک بُعد از تقویت بسیج را استمرار با قوت این فعالیت‌ها دانستند و افزودند: بسیج همواره به دولتها کمک کرده و بازوی فعال آنها بوده است اگرچه برخی دولتها قدرشناس نبودند. رهبر انقلاب آگاهی از نقشه آمریکا برای کشورهای منطقه و ایستادگی در مقابل آن را یکی دیگر از عوامل تقویت بسیج در زمینه سیاسی خواندند و گفتند: قواره مطلوب آمریکا برای تأمین منافع خود در منطقه، ایجاد «استبداد و دیکتاتوری» یا «هرج و مرج و آنارشیسم» در کشورهاست. ایشان ایستادگی بسیج در مقابل این دوگانه را ضروری خواندند و افزودند: هر کدام از این دو وضعیت که در کشور پیش آید، دست دشمن در کار است و بسیج باید در مقابل آن بایستد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنانشان با اشاره به مسائل جاری فلسطین و لبنان گفتند: احمق‌ها خیال نکنند که بمباران خانه و بیمارستان و اجتماعات مردم نشانه پیروزی آنها است؛ در دنیا هم هیچ‌کس این را پیروزی نمی‌داند. رهبر انقلاب با تاکید بر اینکه دشمن در غزه و لبنان با وجود همه جنایات جنگی‌اش پیروز نشده و نخواهد شد، افزودند: حکم بازداشتی هم که برای نتانیاهو صادر کردند کافی نیست و باید حکم اعدام او و این سران جنایتکار صادر شود. ایشان جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان را بر عکس خواست جنایتکاران، باعث تقویت و تشدید مقاومت دانستند و افزودند: جوان غیور فلسطینی و لبنانی از هر صنفی وقتی می‌بیند چه در میدان مبارزه باشد چه نباشد، در معرض بمباران و خطر مرگ است راهی جز مبارزه و مقاومت برای خود باقی نمی‌بیند؛ بنابراین احمق‌های جنایتکار در واقع به دست خود در حال توسعه جبهه مقاومت هستند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توسعه جبهه مقاومت را الزامی قطعی و تخلف‌ناپذیر خواندند و تأکید کردند: جبهه مقاومت هر چه امروز گسترش یافته است فردا چندین برابر گسترش خواهد یافت. در ابتدای این دیدار سردار غلامرضا سلیمانی رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان گزارشی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بسیجیان، بر آمادگی قشرهای مختلف بسیجی برای خدمت‌رسانی به کشور تأکید کرد.

بیانیه تهران؛ ماجرای دبه آمریکایی‌ها در توافق تبادل اورانیوم ۲۰ درصد

■ دکتر سعید جلیلی

دیروز رهبر معظم انقلاب ماجرای در ضمن سخنان خود اشاره‌ای به بیانیه تهران و مذاکرات تبادل اورانیوم فرمودند و از دبه ای که آمریکایی‌ها در این مذاکرات انجام دادند سخن گفتند. به همین مناسبت به انتشار سخنان پیشین دکتر سعید جلیلی در خصوص بیانیه تهران که سال ۱۴۰۰ در قالب پرسش و پاسخ بیان شده می‌پردازیم:

***آیا منظور این است که هر مذاکره‌ای را برای عقب راندن طرف مقابل انجام بدهیم و هیچ چیزی را به آنها ندهیم یا اینکه نه این بده و بستان باید انجام بشود.**

اولین سوال این است که برای چه باید گفتگو کنیم؟ برچه مبنایی تو می‌خواهی در باره حقوق هسته‌ای ایران گفتگو کنی؟ بسته پیشنهادی که آن زمان از سوی ما ارائه شد دقیقاً همین بود که گفتگو اگر برای همکاری است اشکال ندارد، شما می‌گوئید مثلاً نگران سلاح‌های کشتار جمعی هستید؟ خوب، ما هم نگرانیم! پس موضوع روی میز نباید ایران باشد، چون ایران که مسائل را با آژانس حل کرد، اتفاقاً موضوع مذاکره باید شما باشید که صدها کلاهک هسته‌ای دارید. شما می‌گوئید مثلاً نگران اشاعه سلاح هسته‌ای هستید ما هم نگرانیم، در این موضوع بیایید با هم گفتگو کنیم چه کسی سلاح هسته‌ای را بر خلاف قوانین بین المللی- در اختیار رژیم صهیونیستی گذاشته است؟ می‌گوئید موضوع همکاری، فعالیت‌های «صلح آمیز» هسته‌ای باشد، خوب است؛ حاضریم با شما وارد این گفتگو بشویم. همان سال ۸۸ یک میلیون بیمار به داروهایی نیاز داشتند که ساخت آن داروها لازمه‌اش سوخت بیست درصد بود. ما معتقد بودیم مذاکره باید میدان را تقویت کند نه تضعیف. مذاکره می‌تواند با ابتکاراتی راه را باز کند .۱۲ خرداد ۸۸ به آژانس نامه نوشتیم که این سوخت را ما نیاز داریم. دو حالت دارد یا شما باید به ما این سوخت را بفروشید، یا ما این سوخت را خودمان تولید می‌کنیم. او در برابر یک دوراهی قرار می‌گیرد که سوخت را اگر به شما بفروشد خلاف قطعنامه‌هایش است، چون در قطعنامه‌هایش به شکل غیرقانونی گفته با ایران نباید مراودات در موضوع هسته‌ای صورت بگیرد. اگر هم ندهد خب شما به مدد توان دانشمندانتان وارد تولید سوخت بیست درصد می‌شوید. ابتکار عمل در مذاکره اینجا است که از مذاکره برای ارتقا سرمایه کشور استفاده کنید. گفتیم نه تنها سوخت سه درصد را باید تثبیت کنید بلکه باید ارتقا دهید و بیست درصد را هم برای کشور بیاورید. گفتگوهایی که در ژنو ۲ صورت گرفت آنها گیرکرده بودند اگر سوخت را می‌فروختند یک جور برایشان باخت بود اگر ما شروع می‌کردیم به تولید یک جور باخت دیگر بود. لذا آمدند تبادل سوخت را مطرح کردند، ترکیه و برزیل را فرستادند ما گفتیم تبادل سوخت یک امر خوبی است، این بده بستان، بده بستان بدی نیست مثلاً من سوخت سه درصد دارم به لحاظ فنی هر ده کیلو سوخت سه درصد معادل یک کیلو سوخت بیست درصد است، شما می‌گویی آقا من سوخت بیست درصد می‌خواهم ده کیلو از اینها را بده یک کیلو بگیر خیلی خب این مذاکره خوبی است، ما از این استقبال می‌کنیم. ترکیه و برزیل گفتند این حرف منطقی است و شد بیانیه تهران، من هزار کیلو سوخت سه درصدم را می‌دهم، تو صد کیلو سوخت بیست درصد به من بده، این به لحاظ فنی هم، منطق دارد، توجیه دارد. این می‌شود همان مذاکره‌ای که حقی از یک ملت تضییع نمی‌شود، یک همکاری و بده بستان شکل می‌گیرد. این می‌شود یک مذاکره مطلوب اما چه شد؟ دقیقاً قطعنامه دومی که زمان ما صادر شد همین بود که آخرین قطعنامه هم بود. یعنی طرف می بیند که اینجا که منطقش جواب نمی‌دهد، از اهرم زور و فشار می‌خواهد استفاده کند. این جا است که می گویم مذاکره به تنهایی کافی نیست نمی‌توانی فقط بگویی من حرف‌های منطقی زدم اما او قبول نکرد. اینجاست که شما باید میدان را تقویت کنی تا ابزار داشته باشی. و امروز عوض اینکه بخواهی راجع به سه درصد چانه بزنی او مجبور بشود راجع به بیست درصد چانه بزند. بعد از همان قطعنامه آخری که صادر کردند دوباره همان‌ها آمدند که بیایید گفتگو کنیم. اما دیگر سطح مذاکرات شما ارتقا پیدا کرده بود. عوض اینکه نطنز موضوع مذاکره باشد، می‌گفت بیایید راجع به فردو بحث بکنیم. هی شما طرف را به عقب می‌راندید. ضمن اینکه همکاری را هم نفی نمی‌کردید. لذا بعد از آن اولین دور گفتگوها که در ژنو سه شکل گرفت، اولین بار بود که آنها پذیرفتند که موضوع گفتگو دیگر این نیست که راجع به فعالیت هسته‌ای ایران صحبت کنیم، نتیجه گفتگوهای ژنو ۳ چی بود؟ برای اولین بار گفتند همکاری حول نقاط مشترک. روی نقاط مشترک با هم همکاری را شروع کنیم. اما اینکه تو بخواهی حق هسته‌ای یک ملت را موضوع مذاکره قرار بدهی این غلط است و اگر به او این اجازه را بدهی، او حتماً جلوی حقوق دیگر تو هم خواهد ایستاد.اگر مذاکره‌ای غلط بنا نهاده بشود یعنی شما بگویید چون تو این اهرم فشار را داری من حاضرم راجع به فلان حقم بیایم با تو گفتگو کنم که داشته باشم یا نداشته باشم. خب او می‌گوید من با همین اهرم فشار راجع به سایر حقوق تو هم صحبت می‌کنم. این مذاکره‌ای است که در نتیجه اش باید هی شما عقب بنشینی و او با پررویی بیشتر بیاید جلو! همین روندی که در این هشت سال طی شد. شما دیدید در برجام او آمد از شما توافق گرفت که از حقت عقب نشینی کنی؛ شما به این گردن گذاشتی و همه تعهدات را هم انجام دادی، پانزده بار هم او تأیید کرد اما آمد جلوتر. تا همین امروز! می‌بینید دیگر می‌گوید نه! یکسری تحریم‌ها که اصلاً برداشتنی نیست! می‌خواهم بگویم اگر در سال ۸۸ شما به یک مرحله‌ای می‌رسید که طرف نمی‌تواند زیاده خواهی‌های خودش را ادامه بدهد بلکه عقب می‌رود این نشان می‌دهد یک قدرتی بروز کرده است. این قدرت حتماً صرف آن قدرت مذاکره کننده نبوده است، این را اگر کسی بگوید اشتباه است. این یعنی در کشور، مجموعه‌ای از عوامل قدرت شکل گرفته است -که تنها یکی از آن عوامل، مذاکرات بوده ٪ و او را مجبور به عقب نشینی کرده است. این عوامل چه بوده است؟ این که در میدان هسته‌ای، غنی سازی سه درصد شده بیست درصد، لذا او مجبور شده فعلاً اولویتش از سه درصد بشود بیست درصد یعنی عقب نشینی، شما فعالیت فردو را راه انداختید او مجبور شده از نطنز حالا بیاید به فردو بپردازد، اراک را فعال کردی او مجبور شده است یک دغدغه جدید پیدا کند. اینها همه اهرم‌های شما فقط در هسته‌ای است. لذا او علیرغم آخرین قطعنامه‌ای که صادر کرد حاضر می‌شود با شما گفتگو را بر مبنای نقاط مشترک شکل بدهد. دو تا قطعنامه‌ای که صادر شد دقیقاً وقت‌هایی بود که گفتگوهای شما به اذعان طرف‌های مقابل موفق بود یعنی وقتی که آژانس اذعان می‌کرد شش مساله را با ایران حل کرده است، یعنی وقتی طرف مقابل در گفتگو کم می‌آورد از اهرم فشار استفاده می‌کرد و متقابلاً شما هم چون اهرم‌های لازم را آماده کرده بودی باز می‌توانستی به مسیرت ادامه بدهی. اگر او زیاده خواهی می‌کند شما باید صحنه را عوض کنی یعنی از مؤلفه‌های قدرت در میادین مختلف استفاده کنی، شما نمی‌توانید با یک پشتوانه ضعیف وارد گفتگوها بشوید این یک امر تک بعدی نیست. من در پایان گفتگوهای ژنو ۲ مثال قالی ایرانی را زدم. گفتم باید یک طرح داشت. این طرح باید مانند قالی ایرانی ابعادش هر نقطه، نقش و رنگش مشخص باشد که چیست، چگونه است، یک کار همه جانبه را باید شروع کنید. کار سیاست خارجی مثل طراحی قالی ایرانی است، یک نقشه‌ی دقیق و درست می‌خواهد که باید با حوصله گره به گره پیش ببرید. این نیست که شما بگویید سیاست خارجی را من صرفاً با یک مذاکره و لبخند حل می‌کنم. چون اگر او غیر از لبخند ابزاردیگر را به کار گرفت چه می‌کنی؟

انقلاب‌اسلامی، جریانی تمدنی

■ رضا قسیمی

انقلاب‌اسلامی ایران جریانی فرهنگی است که اصل و ریشه آن در اسلام ناب محمدی (ص) است و جامعه ایران آن را با نگاه و آرمان فرهنگی، در راستای تقابل با مدرنیته، آغازنمود و متعاقب آن، در برهه‌ای خاص، متوجه وضعیت سیاسی شد و با جهت‌گیری خاص خود، به رویارویی با تمدن غرب پرداخت و آن تمدن را، که سودای ابرقدرتی کل جهان را داشت با مشکلی به‌نام انقلاب‌اسلامی ایران مواجه ساخت. این جریانی است که به‌تعبیری از آن می‌توان به‌عنوان گام نخست انقلاب‌اسلامی تعبیرکرد؛ و در سال ۱۳۴۲ به‌رهبری حضرت امام‌خمینی (ره) برداشته‌شد و در سال ۱۳۵۷ مستقر گردید. برای توضیح و تبیین انقلاب‌اسلامی و مفهوم و نیز مراحل یا به‌تعبیری گام‌های آن، می‌توان چنین اظهار داشت که در سال‌های آغازین پس از استقرار اولیهٔ گام نخست انقلاب‌اسلامی، هسته مؤسس جریان مدرنیته در جامعه آن روزگار ایران، که به‌تبع اصطلاحات شکل‌گرفته در دوره قجرها، علیرغم برعهده‌گیری مسؤولیت هدم هویت و فرهنگ جامعه ایرانی، روشنفکر خوانده‌می‌شد، و البته نعل‌به‌نعل دنباله‌رو و مقلد غربی‌ها بود، ساختار بنیادین انقلاب‌اسلامی، و اساساً هرگونه حرکت انقلابی را، که اصالتاً در سیر مبارزه آرمانگرایانه مفهوم‌می‌یابد، ساختار و رفتاری افراطی و عاری از خردگرایی برشمرد، و بر بنیان این اندیشه، انقلاب‌اسلامی را جریانی تندروانه و شکل‌گرفته به‌دست عناصری افراطی و تندرو و منفعت‌گرا تبیین‌کرد؛ و البته ناگفته پیدا است که چنین تفکری بر بنیاد اصالت گریز از آرمان‌گرایی و اعتقاد به هرچه غیر از انسان و وجود مادّی او شکل‌گرفت؛ تفکری که اساس آن بر آرایه‌های ارائه‌شده از جانب نظام غرب و مدرنیته می‌باشد. این جریان، که باید آن را جریان تقابل با انقلاب‌اسلامی نامید، با گمان این که در جامعه ما دین روبه اضمحلال می‌رود، از زمانی که قدرت کلان را ازدست‌داد، با پوشش فریبکاری، که به‌گونهٔ تامّ‌وتمام در آن فرورفت، به فعالیت در لایه‌های زیرین جامعه، با اتکاء خاص به فرهنگ و البته یدک‌کشیدن اقتصاد، پرداخت و کوشید سرخوردگی و پشیمانی از انقلاب‌اسلامی را برای جامعه به‌ارمغان‌بیاورد؛ و با پرداخت تامّ به آثار ادبی مدرن غرب، و کوشش در راستای گسترش نهلهٔ فکری جاری در آنها در جامعه ایران آن زمان، کوشید مواجهه‌ای بنیادین را با جریان انقلاب و حتی اسلام پایه‌ریزی کند. وقوع انقلاب‌اسلامی در ایران به‌عنوان جزئی از جامعه غرب آسیا با شرایط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خاص، آغاز تقابل با جریان برخاسته از غرب گردید، همان جریانی که در این منطقه سعی در زدودن دین از جوامع و حساسیت جوامع نسبت به این موضوع نمود، و البته همچنان در این مسیر دست از تلاش برنداشته‌است، و پافشاری‌ها بر همین مرزهای سیاسی موهوم و شکاف‌ها و تفرقه‌ها و دشمنی با جریان انقلاب‌اسلامی ایران در نواحی مختلف به‌گونه‌های مختلف همه نشانگر این موضوع اند. انقلاب‌اسلامی ایران جریان‌ساز تقابل با غرب و پدیده هویت ملی مدرن به‌عنوان آرایه‌ای غربگرایانه در پی لیبرالیسم و سکولاریسم گردیده‌است، پدیده‌ای که امروزه از جانب غربیان با آرایه دروغین دموکراسی زینت‌داده‌می‌شود تا مجرایی برای دستیابی به اهدافشان در نواحی مختلف ازجمله همین ناحیه غرب آسیا گردد؛ و همین دروغ‌پردازی آنان و شعارپردازیشان به‌تبع آن، مسیر انقلاب‌اسلامی ایران را دشوار و آگاهی مردمان همه این نواحی را ضروری می‌کند. حال آن‌چه که ضرورت‌دارد، این است که ببینیم نقش انقلاب‌اسلامی ایران در تقابل با پدیده هویت ملی مدرن چیست؟ با توضیح‌هایی که درباره پدیده هویت ملی مدرن ارائه‌گردیدند، می‌توان چنین اظهار داشت که این پدیده پدیده‌ای کاملاً غربی و برمبنای آرا غربی‌ها است که در جوامع غیرغربی هم به‌تبع آنها و در پی توسعهٔ ارزشهای غرب و مدرنیته، تعریف‌می‌شود. اما باید پرسید در جوامعی با پیشینه کهن فرهنگی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی همچون جوامع غرب آسیا، این پدیده بر چه اساسی تعریف‌گشته‌است. البته در این راستا، توجه به این مهم ضروری است که این واقعیت واقعیتی کتمان‌ناپذیر است که جوامع یا به‌تعبیربهتر، جامعهٔ غرب آسیا، در روزگاری که غرب امروز از مفاهیمی چون هویت عاری بوده‌است، تبیین‌کننده هویت در سطحی وسیع آن هم به محوریت دین بوده است. حال در روزگار مدرن که غرب بر آن شده که آن جریان وسیع و عمیق را در جامعه غرب آسیا به‌نابودی‌بکشاند، در یک فرایند تاریخی کار خود را پیش‌برد و تاحدودزیادی هم در این زمینه به‌موفقیت‌رسید؛ به این ترتیب که ابتدا این جامعه را با مرزهای سیاسی موهوم به شکاف و تفرقه کشانید، و سپس در اجزا پدیدآمدهٔ جامعه، همچنان که پیشتر اشاره‌گردید هویت‌های ملی مدرن را پدیدآورد؛ و این هویت‌ها از همان غربیان آموختند که هرکدام در چارچوب همین هویت ملی مدرن خود، بدون‌توجه به همسایگان، که روزگاری در چارچوب یک هویت با هم قدم برمی‌داشتند، ابراز موجودیت کنند و گاه حتی در قالب دشمنی با هم، روزگار خود را پیش‌ببرند، روزگاری که به سمتی بود که اساساً اثری از هیچ‌کدام آنها به‌عنوان حتی جزئی از یک جامعهٔ اسلامی باقی‌نگذارد. در این شرایط و موقعیت است که انقلاب‌اسلامی ایران سربرآورد، انقلابی که اصالتاً جریانی درتقابل مدرنیته و جریان جهانگرای غرب است که امروزه بر کل جهان حاکم می‌باشد؛ و البته جریانی است که صرفاً با پیاده‌سازی آن می‌توان فرهنگ و تمدن اسلامی را در جهان امروز که از زوایای مختلف آماج حملهٔ فرهنگ و تمدن غرب است، باززنده‌سازی‌کرد؛ چراکه در غیر این صورت، و به‌تعبیری با پذیرش تمدن غرب به‌عنوان تمدن غالب جهان، ما به‌عنوان نمایندگان فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، به‌واقع پیشاپیش، دستان خود را پیش تمدن ستیزندهٔ غرب بالابرده‌ایم؛ و این تجربه‌ای است که ما در دوره‌هایی چون روزگار رضای به‌اصطلاح پهلوی و پسرش و برخی کسانی که سر در هوای مؤانست با غرب داشته‌اند، تجربه کرده‌ایم. اما وجه شکل گرفتi گام نخست انقلاب‌اسلامی، پس از استقرار، نحله فرورفته در مدرنیته و آموزه‌های غرب حاکم بر جهان را به‌چالش‌کشید؛ که این نشانگر این واقعیت است که گام نخست، پس از ایجاد و سپس، پیروزی بر حاکمیت غرب‌پرست و غربگرای رضا و محمدرضا، و قرارگیری مستحکم در جای خود، علیرغم دشمنی‌های بسیار و مشکلات وافر اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی مدام، و همچنان جاری از گوشه‌وکنار، جریانی را پدیدآورده‌است که باید آن را گام دوم انقلاب‌اسلامی تعبیر کرد؛ گامی که به‌واقع اصالت انقلاب‌اسلامی است.

■ **گام دوم انقلاب‌اسلامی**

در تبیین اصالت انقلاب‌اسلامی باید چنین اظهارداشت که این پدیده جریانی زنده و پویا و فعال است، و...

■ ادامه در صفحه آخر

خبر

روایت «میدل‌ایست‌آی» از خوی وحشی صهیونیست در هتک حرمت پیکرهای فلسطینی

تارنمای میدل ایست آی نوشت که از زمان حمله زمینی رژیم اسرائیل به غزه، شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد ارتش این رژیم به طور نظام‌مند به گورستان‌ها هتک حرمت می‌کند و پیکرهای فلسطینی را از قبور بیرون می‌کشد. به گزارش روز دوشنبه ایرنا، این رسانه افزود: پس از حمله هوایی (رژیم) اسرائیل در سال گذشته که به شهادت علا الشیخ منجر شد، خانواده اش، وی را در قبرستانی موقت در نزدیکی بیمارستان اندونزی در شمال غزه دفن کردند. دسترسی به قبرستان اصلی به دلیل تشدید حملات زمینی و هوایی در منطقه غیرممکن شده بود. سربازان صهیونیستی در نهایت به نزدیکی بیمارستان اندونزی محل گورستان موقت، یورش بردند. وقتی خانواده علا چند هفته بعد، پس از عقب نشینی نیروهای صهیونیستی، دوباره از محل این گورستان بازدید کردند، پیکر او ناپدید شده بود. یحیی الشیخ، برادر علا، به میدل ایست آی گفت: ما می خواستیم پیکر او را به قبرستان فالوجه منتقل کنیم، اما وقتی قبر و پیکر او را پیدا نکردیم، شوکه شدیم. این شهروند ۴۵ ساله جبالیا افزود: محل دفن پیکر خواهرش خالی بود و چندین جسد مفقود شده هم در سراسر گورستان وجود داشت. قبرها باز شده بودند و همه چیز بهم ریخته بود. خانواده علا روزها به دنبال پیکر او بودند و از ساکنان محله های اطراف پرس و جو کردند. برخی تایید می کردند که سربازان اسرائیلی به قبرستان حمله کردند، اما نتوانستند ببینند سربازان چه بلایی بر سر آنها آورند، زیرا هرکسی که از پنجره به بیرون نگاه می کرد در معرض خطر شلیک گلوله قرار می گرفت. علا گفت ما از خیلی ها سوال کردیم اما هیچ کس چیزی نمی دانست. برخی به ما گفتند که ممکن است سربازان اجساد را ربوده باشند، زیرا گفته می شود برخی از آنها را توقیف کردند. برخی دیگر نیز گفتند ممکن است اجساد زیر بولدوزرها در زیرخاک دفن شده باشند. وی گفت تا همین امروز ما اطلاعی از اجساد خواهرم نداریم. به گفته مقام های دفتر رسانه ای دولت فلسطین مستقر در غزه، نظامیان رژیم صهیونیستی از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (۱۵ مهر ۱۴۰۲) تاکنون حداقل ۲ هزار و ۳۰۰ پیکر فلسطینی را از قبرستان های غزه کشف و ضبط کرده اند. این دفتر اعلام کرده که حملات مداوم رژیم اسرائیل همچنین باعث تخریب کامل یا جزئی ۱۹ گورستان از ۶۰ قبرستان در سراسر غزه شده است. توقیف اجساد برای بسیاری در غزه که هنوز داغدار عزیزان از دست رفته شان در بمباران بی امان اسرائیل هستند به ترسی جدید و وحشتناک تبدیل شده است. انهر رمضان که خواهرش در نوامبر گذشته در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به شهادت رسید، می‌گوید جسد خواهرش گم نشده است، اما در «صحنه ای وحشتناک» او را دیده است. رمضان تشریح کرد که چند هفته بعد از بمبارانی که به شهادت دختر و خواهرش منجر شد قصد داشت به دیدن محل دفن آنها در قبرستان القسام در نصیرات برود. او می گوید: بعد از حمله رژیم اسرائیل به منطقه محل تدفین با صحنه هولناکی مواجه شدم. قبر خواهرم باز بود و سر و دست او دیده می شد. تحقیقات شبکه خبری سی ان ان نشان می دهد که ارتش رژیم صهیونیستی از ژانویه گذشته تاکنون دست‌کم به ۱۶ قبرستان حمله کرده و اجساد را بیرون آورده اند که این عملیات بخشی از جست وجوی آنها برای کشف بقایای اسرای صهیونیستی است. میدل ایست آی نوشت: در ۲۵ سپتامبر (۴ مهر) (رژیم) اسرائیل کامیون حامل اجساد تقریبا ۹۰ فلسطینی را به غزه فرستاد بدون این که جزییاتی را درباره هویت آنها و این که آیا این اجساد را از گورستان ها برداشته بود، فاش کند. حبیبه سلمه، زن آواره ۳۵ ساله فلسطینی که اکنون در دیرالبلح زندگی می کند، به این رسانه گفت: وقتی پدرم به شهادت رسید، مردم سعی کردند با گفتن اینکه دیگر نگران گرسنگی، مجروح شدن یا بازداشت شدن او نباشم، به من دلداری دهند این شهروند فلسطینی می گوید، اولین کاری که پس از بازگشتش به شمال غزه انجام خواهد داد، دیدن قبر پدرش است. اما شک دارد که آن را پیدا کند.